

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد و آل محمد

پیوند توحیدی

کارگاه اول؛ 5 شنبه 16 بهمن

«صفات زن در قرآن و نقش شناسی»

استاد برومند

❖ به طور کلی وقتی درباره زن بودن یا مرد بودن صحبت می کنیم ، در واقع از یک ویژگی کلی صحبت می کنیم، که یکی زن آفریده می شود و دیگری مرد و می دانیم که پایه ی خلقت، زن است، یعنی جنین در ابتدا دختر است و بعد از تغییراتی پسر می شود.

❖ و این جنسیت یک ظرفیت است.. یعنی زن بودن یک ظرفیت ویژه و مرد بودن هم یک ظرفیت ویژه است. پس ابتدائاً باید به ظرفیت بودن جنسیت توجه کرد. اهمیت این ظرف در تعیین جایگاه در روابطی است که می خواهند با یکدیگر داشته باشند. بنابراین انسان ها در محیط اجتماعی زندگی میکنند، پس با یکدیگر رابطه داند و این رابطه بین زنان و مردان اتفاق می افتد. پس نقش هر یک در رابطه ی او اهمیت پیدا می کند.

❖ قرآن در این بحث گفته است که مرد ذکر و زن انثی گفته شود. و در موضوع رابطه ، ما میفهمیم که این بحث زوجیت لزوماً فقط با ازدواج اتفاق نمی افتد. اما طبیعت بشر این گونه است که تا چیزی برای او ملموس نشود و نتواند با حواسش آن را لمس کند، بشنود یا ببیند، قابلیت استفاده برای او نخواهد داشت. در واقع با درک این قوا در دیگری، قوا را در خود نیز فعال می کند. در واقع نیمه ی دیگر خود را در دیگری میبیند. برای همین بسته به فردی که انتخاب می کند، ازدواج برای او معنا پیدا می کند.

❖ البته باید گفت کسانی کمتر از انگشتان دست بودند که بدون ازدواج توانستند نیمه ی دیگر خود را پیدا کنند. و در واقع اینکار توصیه نشده است.

❖ حضرت معصومه قصد ازدواج نکردن نداشتند، دوره ی زندگی ایشان بسیار ویژه ست. که سادات مجبور بودند، سید بودن خود را مخفی کنند.

❖ و یا حضرت مریم که بدون وجود مرد، فرزند به دنیا آوردند.

❖ اما باید دانست که اگر قرار بود کسی سزاوار باشد به بدون ازدواج به کمال برسد، هیچکس به حضرت زهرا اولویت نداشت. و چون ایشان ازدواج کردند، پس بهترین مسیر برای نشان دادن ظرفیت طرفینی، ازدواج کردن است

نقش زن چیست و چطور باید آن را فهمید؟

علاوه بر این، برای شناخت نقش چیزی از تفاوت ها شروع می شود، یعنی باید دید اختلاف نقش آن ها در چیست؟ ابتدائاً باید به همان تفاوت های کلی پردازیم.

3 چیز زن و مرد با یکدیگر تفاوت دارند

1. در مسیرهایشان. یعنی توان یکسری از کارها در زن و توان یکسری در مرد وجود دارد، پس مسیرهایی که می تواند طی کند با یکدیگر متفاوت است.

2. در توانایی ها. یعنی داشته هایی که با آن متولد شده اند. و در بعضی جاها مکمل اند و در بعضی جاها این توانایی ها با یکدیگر ضدیت دارد.

3. در بروزات. یعنی آن برواتی که بعد از توانای ها از خود نشان می دهند.

یعنی به طور کلی در توحید و نبوت و معادشان با یکدیگر تفاوت دارند.

ما به دو ویژگی در زن و یک ویژگی در مرد، توجه می دهیم

مهمترین و شگفت انگیزترین آیه درباره نقش زن در قرآن صحبت کرده آیه ی الرجال قوامون علی النساء است تا آنجا که می فرماید و الصالحات قانتات حافظات للغیب... که بحث از قنوت و حفظ غیب است.

قنوت: توجه محض و کامل است. مانند قنوت نماز که با بالا بردن دست، توجه و خشوع محض در آن متجلی است.

پس قانت کسی است که تمام توجهش به سمت یک چیز مشخص است.

حفظ : مراقبت و نگهداری و درامان نگهداشتن از آسیب است. و غیب: آن چیزی است که باید مخفی باشد و پوشیده باشد. و حافظ غیب یعنی کسی که از چیزی نگهداری می کند تا آن چیز از بین نرود.

پس زن بودن وقتی خود را نشان می دهد که زن توجهش را معطوف به نگهداری چیزی که به او سپرده اند، کند تا به آن آسیبی نرسد.

و واژه ای که در قرآن برای مرد به کار رفته واژه ی قوام است و در واقع کل شخصیت مرد به قوام بودن آن است. قوام یعنی ایستاده بودن. یعنی کسی که خودش، ایستاده و فعال و پرتحرک باشد و استعداد دیگران را هم بشناسد و بتواند آن ها را هم سرپا نگه دارد.

باید دو ویژگی قنوت و حفظ غیب را در ابعاد وجود انسان منطبق کنیم.

انسان موجودی پیچیده است که ظاهری دارد و باطنی، که هر فعلی که انجام می دهد، مبتنی بر یکسری داده هاست که آن ها را تحلیل میکند و سپس آن ها را بروز می دهد.

مثلا وارد مکانی می شود و فضا را تحلیل میکند و تصمیم میگیرد که در آن مکان چه فعلی را انجام دهد.

حال با ترسیم یک چرخه، انسان در مرحله اول یک چیز را حس می کند. بعد در خیال خود از آن چیز عکس و تصویری در ذهن ذخیره می کند و سپس از آن یک کلیتی را ذخیره می کند که آن کمک می کند به اینکه هرگاه چیزی را دارای آن شرایط یافت، تشخیص دهد که آن مصداق با آن کل که در ذهن دارد منطبق است یا خیر. مثل تصور یک لیوان که می تواند به هر شیء که ویژگی های آن لیوان را دارد، منطبق شود. این اتفاق در وهم می افتد. مرحله بعد در فکر اتفاق می افتد ینی در فکر، از وهم و خیال استفاده می شود. در مرحله بعد عقل، درست و غلط را تمیز می دهد که آنچه در فکر بوجود آمده درست است یا غلط. سپس در

الهام یعنی محل ارتباط انسان در ملکوت که برای زن، داشتن این ارتباط اولویت زیادی دارد، یافته های عقل وارد می شود، و مجموعه ی قبل، ایمان را شکل می دهد. ایمان یعنی آن اعتقادی که قدرت عمل می دهد. مانند اینکه با دراز کردن دست و قصد برداشتن آن، لیوان را برمی داریم. خداوندی که به من اعمالی را امر کرده، پشتوانه ی انجام آن را هم داده است. سپس ایمان است که نیت های افراد را می سازد، که تصمیم بگیرند کاری را انجام بدهند یا نه.

حال این چرخه را در مدل زنانه ی آن بررسی می کنیم:

قنوت در حس و حفظ غیب در حس یعنی چه:

یعنی چشم، زبان و گوش زن دارای قنوت و حفظ غیب باشد.

قنوت چشم یعنی حواس زن کاملاً متمرکز بر آن چیزی باشد که باید ببیند، پس براحتی نباید حواس او پرت شود و مثلاً در خیابان هر چیزی حواس او را پرت کند. و بتواند چشمش را کنترل کند.

قنوت زن در گوش بیشتر قابل توجه است، در واقع باید گوشش را کنترل کند که چه چیزی را بشنود یا نشنود.

مثلاً کسی به او می گوید که تو هیچ هنری نداری، او می شنود که او را تحقیر می کنند. درحالیکه او خودش را می شناسد و به واقعیت درون خود و توانایی هایش واقف است، پس نباید همزولمز کسی در او اثر بگذارد.

حفظ غیب در حس ینی چه:

یعنی بتواند با همه ی توانمندی هایش چیزی را حفظ کند تا کسی به آن آسیب نزنند.

در بحث ازدواج این موضوع به او کمک میکند که بتواند انتخاب کند چه چیزی را در فرد مقابل ببیند، بشنود و به چه چیزی دقت کند یا نکند.

حضرت علی علیه السلام میفرماید: هیچکس چیزی را پنهان نمیکنند مگر اینکه در چهره و زبان او پیداست.

و این فرمایش را کسی می تواند درک کند که تشخیص دهد چه چیزی را ببیند، و آنچه را دیده است بتواند حفظ کند. این چشم، از ویژگی های زنانه است. مانند خانم دباغ، که به همراه هیات ایرانی نامه ای را از طرف امام خمینی^{ره} برای دیدار گورباچوف می برند، و ایشان فقط برای دیدن و حفظ آنچه میبینند همراه هیات ایرانی بودند.

قنوت در فکر و حفظ غیب در فکر یعنی چه:

قنوت در فکر: یعنی می تواند تمام فکرش را روی یک موضوع متمرکز کند. و متأسفانه بیشتر خانم ها اینکار را انجام نمی دهند. فکر خود را متمرکز نمیکنند.

حفظ غیب در فکر: یعنی چیزی را که روی آن تمرکز کرده نگهداری کند.

در واقع درهمه این مراحل قنوت مثل شکار، و حفظ غیب مثل نگهداری آن شکار است.

درواقع زن محرم اسرار است و می تواند محرم اسرار خداوند باشد.

و بیشترین آسیبی که در زنان میبینیم، آسیب های تفکری است. زنی اگر قنوت و حفظ غیب در تفکر داشته باشد به افسردگی بعد از زایمان دچار نمی شود.

قنوت در عقل و حفظ غیب در عقل یعنی چه:

هرچند عقل از جایگاه خیلی رفیعی برخوردار است و اگر عقل میخواست به شکل انسان درآید قطعاً به شکل حضرت زهرا بود که در رفتار ایشان قنوت و حفظ غیب در عقل در ایشان کاملاً نمایان است.

قنوت در عقل به چه شکل است؟ تمرکز زن روی شاخصه های حقیقی است که برگرفته از دین است نه از افراد و خانواده و قوم و قبیله....

یعنی اگر تصمیمی می گیرد بنا بر شاخصه های دینی است.

مانند مهریه های سنگینی که به غیر از مهرالسنه در مهریه دخترخانم ها وجود دارد نیست.

برای تصمیماتی که میگیرد شاخصه ی حقیقی دارد. و مدام دچار تغییر و تحول نمی شود.

حفظ غیب در عقل: یعنی شاخصه های حقیقی مراقبت از هرچیز را می داند. و می داند که از هرچیز چطور باید مراقبت کند. دچار افراط و تفریط در مراقبت یا رها کردن هرچیز نمی شود.

مثلاً زنان خیلی خوب رصد میکنند. اوایل زندگی به طور کامل همسر را رصد می کند و عمدتاً هم متاسفانه عیوب را میبینند. و افراد در این موضوع دو مدل می شوند. یا زیادی نگهداری می کنند طوری که 4-5 سال بعد به شدت خسته می شوند که شاید می توانستند آن مشکل را با مراجعه به اهل فن حل کنند. یا اینکه حفظ نمیکنند و به راحتی زندگی را تمام شده میبینند.

زن باید براساس شاخصه های عقلی برچیزی تمرکز کند و آن را نگهداری کند. براساس شاخصه ها حد و حدود هرچیز را تشخیص می دهد و می داند که چه کاری را انجام بدهد یا ندهد.

قنوت در ایمان و حفظ غیب در ایمان یعنی چه:

از این مرحله به بعد وارد ساحت عمل می شود. یعنی در مراحل قبل ایمان را می سازد و از این به بعد به فعل می رسد.

قنوت در ایمان: یعنی به حق بودن آن چیزی که به آن ایمان آورده، مومن است. یعنی برای او ایجاد امنیت می کند. آرامش خاطر در او بوجود می آورد.

مادر حضرت موسی فرزندش را به نیل می اندازد و به خدا می سپارد.

اگر زن دیگری را تصور کنیم، او هم همراه فرزندش به نیل می رود یا می سپارد به نیل؟ عمدتاً زنان کار اول را انجام می دهند.

اما مادر حضرت موسی به حق بودن آن چیزی که به آن توجه دارد، مومن است. چون خدا به او اطمینان دارد، امنیت خاطر دارد. و اوست که محل دریافت وحی است... و او حینا الی ام موسی

حفظ غیب در ایمان: یعنی به حق بودن چیزی که نگهداری میکند از آن، ایمان دارد. اگر در این راه به اوسختی رسید و مانند حضرت زینب آن همه مصیبت دید، وقتی وارد دربار یزید می شود متکبر و متجبر است. به خود تسلط دارد و می داند خدا پشتوانه ی اوست.

این حفظ غیب در زبان و عمل او یکی است.

قنوت در نیت و حفظ غیب در نیت یعنی چه:

قنوت در نیت: یعنی در موضع تصمیم و انتخاب قرار میگیرد. او می تواند با نیت و آگاهی کامل به چیزی، توجه کامل را داشته باشد. هدف را انتخاب می کند و متمرکز می شود.

او متحول با محیط نیست

حفظ غیب در نیت: یعنی آنچه را که آگاهانه انتخاب کرده، به خوبی نگهداری میکند.

به طور کلی چون ابعاد وجودی زن مخفی است، اگر کسی بخواهد که مصداق عینی این صفات را به او نشان دهیم به راحتی نمی توانیم. چون او اهل جار زدن و خواهان دیده شدن نیست.

قنوت در عمل و حفظ غیب در عمل یعنی چه:

قنوت در عمل یعنی می تواند کارهایی را انجام دهد که ناشی از تمرکز او روی چیزهایی است که به آن متمرکز شده.

حفظ غیب در عمل دارد یعنی آن کارهایی که انجام داده را ضایع نمی کند و دچار حبط در عمل نمی شود.

تحمل او در زندگی تمام نمی شود و هرآنچه در زندگی ساخته را خراب نمی کند. بر انتخاب خودش استوار است تا به نتیجه برسد.

زنی که دارای این ویژگی است و میداند در زندگی چه می کند با اخم و تخم همسر و خانواده ی او و هر اتفاقی... زندگی اش را تمام شده نمی بیند.

نقص های خود را جستجو می کند و به دنبال راه حل برای جبران است. خود را از دست رفته نمی بیند نه متکبر است و نه دچار خود زنی می شود.

خداوندی که انسان را عاقل آفریده حق انتخاب را به او داده.

پس زن آفریده شده تا وجودش را روی موجود دیگری متمرکز کند و با تمام توانمندی‌ها و استعدادهایش از آن نگهداری کند. به همین دلیل است که فقط زن توانایی مادر شدن دارد.

زن است که می‌تواند حد و حدود فرزندش را در تربیت و معاشرت و علم تعیین کند. او می‌تواند بر اساس آنچه می‌خواهد با ابزاری که در دست دارد بر روی نیازهای فرزندش تمرکز کند و سپس گزینش کند.

از مراحل حفظ غیب آن است که زن می‌تواند غیب شوهرش بشود در عین اینکه باید از غیب شوهرش محافظت کند. چون او می‌تواند بفهمد که غیب شوهرش است.

در منزل را به روی غیر میبندد و اجازه می‌دهد که چه چیزی وارد زندگی‌اش بشود و چه چیزی نشود. حرم او حریم دارد و باید با اذن دخول وارد حریم او شد. اولین اذنی که از او میگیرند در خواستگاری است و اولین اذن از پدر دختر است. او از صافی عبور می‌دهد و در مرحله بعد کسی به حریم دختر وارد می‌شود.

آنچه زن به حفظ آن در جهان مامور شده، حفظ غیب الهی است. بنا به فرموده‌ی حضرت امیر که فرمودند: بهای شما بهشت است، خود را به کمتر از آن نفروشید، بهای زن حفظ غیب الهی است. شناخت این ظرفیت که زن چه غیبی را حفظ‌اند، نیاز به علم و دانش و مهارت و درس دارد.

و دختران ما بعد از چندین سال درس خواندن و مرد شدن، وجود خود را کفران می‌کنند. درحالی‌که زن برای این آفریده نشده!